

نگاهی کوتاه به زندگی و آثار نویسنده مقاله قدیسین ترکمن :

دمیدف سرگی میخاییلویچ، متولد 1936 در شهر اوچاکف ایالت مسکواست و در یک خانواده نظامی دنیا میاید. وی مردم شناس و کارشناس در زمینه صوفیسم و باورها و اعتقادهای پیش از اسلام ترکمن ها است. دمیدف تحصیلات خود را در دانشکده اقتصاد و تاریخ دانشگاه دولتی مسکو بنام م.و. لئونوف (شعبه مردم شناسی) پایان میرساند.

دمیدف از سال 1959 تا اواسط دهه 1990 در جمهوری ترکمنستان شوروی زندگی و کار میکند. وی تجربه مردم شناسی در ترکمنستان در گروه ا. مارکف را داشت و به همراه و. ان. واسیلیف سفری به جنوب غربی ترکمنستان میکند. دمیدف در سال 1959 در شعبه مردم شناسی انستیتوی تاریخ فرهنگستان علوم ترکمنستان شوروی استخدام شد، جاییکه بلاوقه تا پایان سال 1997 در آنجا کار کرد.

وی مولف هفت کتاب (پنج مونوگرافی) و بیش از 350 مقالات علمی درباره اعتقادات ترکمن ها است. دمیدف از اصطلاح «قدیس» [اولاد] پرده برداشت و مفهومی مشخصی به «گروه قدیس» میدهد. او همچنین رابطه قبایل - قدیسین را با خلق های همجوار ترک، ایران و مغولی زبان روشن میکند. دمیدف دسامبر سال 1997 ترکمنستان را ترک می گوید. وی اکنون در مرکز بخش باتورینسکایا بروخوتسکو نواحی کراسنودارسک زندگی میکند.

برخی آثار مولف:

- قدیسین ترکمن. س. م. دمیدف. تصیح کننده، و. ان. واسیلیف، کاندیدای علوم تاریخ. عشق آباد. انتشارات علم. 1976؛ ص. 196.

- صوفیسم در ترکمنستان. س. م. دمیدف (تکامل تدریجی و بازمانده ها). عشق آباد. انتشارات علم. سال 1978؛ ص. 176.

- تاریخ باورهای مذهبی خلق های ترکمنستان. س. م. دمیدف. پاسخ سردبیر آ. آ. روسلیاکف. عشق آباد. انتشارات علم. سال 1990.

- ترکمنستان مابعد شوروی. انتشاراتی ناتالیس. مسکوسال 2002

ترجمه از: رحیم کاکایی

سرگی میخاییلویچ دمیدف:

قدیسین ترکمن

تصوف جریانی است عرفانی در اسلام که مفاهیم و جهات بسیاری دارد. تصوف که در قرن هشتم در جریان چندین سده بعدی در خاک بسیاری کشورهای هایی که اسلام پذیرفته بودند، بویژه در ایران، آسیای مرکزی، داغستان و برخی دیگر مناطق گسترش یافت، بوجود آمد. تصوف به ترکمنستان، جاییکه گسترش آن برخی خطوط مشخصه خود را داشت، راه یافت.

در تمامی کشورهای مسلمان، از اعراب گرفته تا دوردست های اویغورها، سادات (عربی - «آقایان» - سیدها)، افرادی که خود را اخلاف پیامبر محمد می شمردند، از احترام زیادی بین مردم

برخوردار بودند. هر چند بخش بسیاری از این قشر ممتاز را، آنطور که در میانه سده بیست محقق و پژوهشگر ایرانی، طباطبایی اشاره میکند، افرادی شبه سید و شهرت ربا هستند.

در میان برخی مردمان فارسی زبان و ترک زبان آسیای مرکزی، ترکستان شرقی و پاره ای از مناطق کنونی علاوه بر سادات (سیدها)، در قرون وسطی باز دوطبقه روحانی - اجتماعی پدید آمد که مدعی نقش اخلاف مقدس پیامبر و جانشینان بسیار نزدیک او به اصطلاح چهار خلیفه مومن - ابوبکر، عمر، عثمان و علی، شدند. این طبقات، خوجه ها (خواجه ها- در ایران قدیم، «استاد، صاحب، آقا») و شیوخ (عربی، «بزرگتر، رهبر») هستند. بسیاری از آنها بنیانگذاران یا رجال فعال و متنفذ تشکیلات مختلف تصوف بودند.

در ترکمنستان داده های مردم شناسی نه به یک، دو یا سه گروه ممتاز مذهبی - اجتماعی، بلکه به شش اصطلاح کلی واحد بنام قدیسین (به ترکمنی، اولاد) اشاره می کند. اولاد به عربی «اخلاف» است

(از ولد- «خلف»). ترکمن های ناآشنا به زبان عربی این اصطلاح را به عنوان یک فرد تلقی کرده اند. از این رو در مجموع سخنگویان و یا نمایندگان این گروه ها را در ترکمنستان اولاد لار می نامند (با پیوست باز یک پسوند جمع ترکی- لار). علاوه بر خوجه ها، شیوخ و سیدها (سادات) سه گروه دیگر قدیسین بنام های ماغیم ها، موجور ها و آتاها نیز جزء قدیسین (اولاد) ترکمن هستند.

روایت رایج و مشترک بین خود قدیسین (اولاد)، حمایت موجود و فعالانه از روحانیت آنها را، مربوط میکند با منشاء این گروه ها باین یا آن جانشینان یادشده پیامبر محمد که تحت اصطلاح زبان فارسی چهاریار (به معنی «چهار دوست») بین مردمان آسیای مرکزی شناخته شده هستند. در میان ترکمن ها نسبت به این اصطلاح بمثابه نمادی از یک فرد تلقی شده و باز به آن چهار ترکی «دورت» را افزودند و کل ساختار واژه به عنوان «دورت چاریار» طنین انداز است.

روایت قرابت با جانشینان و بستگان محمد (ابوبکر، علی)، و از طریق آنها با خود پیامبر قدیسین (اولاد) را به مقام تقدس رساند که این امر بسیاری امتیازات را به آنها داد (مصونیت مسکن و دام در دوران مخاصمات و زدوخوردهای قبیله ای، معافیت از کار سنگین در پاکسازی و تصفیه سیستم های آبیاری، تخصیص جوایز افتخاری در مسابقات و غیره).

در مورد روایت منشاء عرب بودن قدیسین (اولاد) به گفته های خود قدیسین و برخی مؤلفان سده نوزده و اواسط سده بیست، که درباره قبایل ترکمن ها نوشته بودند، اشاره کرده اند. اما پاره ای عالمان ترکمن نیز، که به خود زحمت تجزیه و تحلیل انتقادی به «روایت عرب بودن» نداده بودند، نوشتند که قدیسین (اولاد)، اخلاف نخستین رواج دهندگان اسلام در قلمرو ترکمنستان هستند.

نظیر این ادعا و سخنانی را س. آ. نیازوف رئیس دولت (رئیس جمهور متوفی جمهوری ترکمنستان- مترجم) در یکی از نطق های خود ضمن اشاره به تاریخ ترکمنستان، تکرار کرد. اما آنطور که نتایج یک مطالعه و پژوهش دوازده ساله درباره موضوع منشاء و پیدایش قدیسین مولف این صفحات، در مونوگرافی «قدیسین ترکمن» (سال 1976) تشریح شد، نشان دادند که روایت «عرب» بودن قدیسین تاب مقابله با هیچ انتقادی را ندارد.

پردازش داده های مردم شناسی، روایت های شفاهی و نسخ خطی شجره نامه های خود قدیسین (اولاد) این روایت را تایید نمی کند. نه در فرهنگ مادی یا معنوی، نه در زبان و نه در سیمای مردم شناسی

قدیسین، هرگونه خطوط خودویژه ای که آنها را همانا به اعراب نزدیک کرده باشند، بویژه اعراب آسیای میانه، مشاهده نمیشود. آخرین عرب های آسیای میانه هنوز بصورت گروه های کوچکی در مناطق ازبکستان ساکن هستند.

با این حال علی رغم دوران طولانی معاشرت و تماس تنگاتنگ با مردم ترک و فارسی زبان، ازبک ها وتاجیک ها، آنها (منظور گروه کوچک عرب- مترجم) به میزان زیادی خودویژگی های سیمای ظاهری، زبان، برخی از خصوصیات فرهنگ مادی، هم زندگی خانوادگی و هم یک جامعه قومی متمایز را حفظ کرده اند.

از سوی دیگر، روایت های گروه های قدیسین (اولاد) حکایت از آن دارند که بانیان نیمه افسانه ای آنان (نمایندگان برجسته تصوف که نام یا لقب افتخاری آنها را اغلب عنوان همه گروه کرده اند) اصولاً از خوارزم و دریک مورد از گرگان ایران سرچشمه گرفته اند. برای نمونه بانی گروه آتا، پرشمارترین بین گروه های قدیسین (اولاد)، هنوز در آغاز سده نوزده که بگونه ای گسترده در غرب ترکمنستان نواحی ماوراء بالخان جای گرفت (که بویژه در دفتر خاطرات سیاحت خود از منطقه دریای خزر و خیوه در سال 1819، سیاح برجسته روس نیکلای مورایف اشاره کرده) حسن مقدس ملقب به گوزلی آتا (پدرپیش گوی [اولیاء، ولی، پیش بین]) بشمار میرود.

بنابه روایتی او از نیروی سحرآمیز دیدن اسرار، آفرینش معجزه برخوردار بود، چه هنگامی که به این دیار ورود کرد دامداران بومی ترکمن را به شگفت آورد. اعتقاد بر آن است که گوزلی آتا صوفی، مرید و خدمت کار دیرخواجه احمد یسوی عارف معروف ترکستان قرن دوازده بود که در سال 1166 درگذشت. گویا گوزلی آتا از خواجه احمد یسوی نشان صوفیانه ی یسوی که بوسیله خواجه احمد ایجاد شده بود برای خطبه و موعظه آموزش مذهبی گرفته است. از گوزلی آتا که با دختر قزاق آقسیلی از دواج کرده بود، منشاء نیمه افسانه ای خود را موجب میشود.

افسانه های دیگری را نیز برآستی درباره فعالیت های تبلیغی گوزلی آتا (نامی که بارها در اشعار خلق شده شاعر سده هیجده، مختومقلی کبیر دیده میشود) در اردوی طلایی (زرین- مترجم) دوران زمامداری چانی بک خان روایت می کنند (سالهای 1357-1342 م). او پس از تحصیل در ترکستان به آنجا رهسپار شده و چندی بعد از آنجا به قلمرو ترکمنستان به ماوراء بالخان وارد میشود.

اختلاف تاریخی بین دوران زندگی وزمامداری چانی بک خان و فعالیت های خواجه احمد یسوی که در افسانه ها و روایت های آتا ها سخن بمیان می آید نباید اشتباه باشد، چه گوزلی آتا، از تمام قراین معلوم میشود، نه مستقیم مرید یسوی بلکه پیرو آموزش های عرفانی او بوده است.

ذکر (1) بلند درویشانه که بین آنها بطور فعال تا میانه ی سالهای بیست قرن بیستم و دیرتر برخی از جاها رواج یافته بود، انعکاس روشن این آموزه بود. عبادتگاه گوزلی آتا به همراه مزار آقسیلی او به همین نام حدود 150 کیلومتری شمال شرقی کراسنودسک (ترکمن باشی کنونی) قرار دارند.

در نزدیکی عبادتگاه بقایای اسکان دامداران سده های میانه قرار دارند. سرامیک های این آبادی و مکان مقدس آن بر اساس ارزیابی باستان شناسان ترکمن به دوران سده سیزده تا پانزده تعلق دارد که تلویحا دوران زندگی گوزلی آتا را تصدیق می کند.

میانگین برآورد متوسط نسل، طبق دست نوشته های شجره آنها که حکایت از همان قرن پانزده دارد و در یکی از دهات ناحیه سرخس برنویسنده مقاله نیز روشن شد، تا آغاز سده بیستم، پس از گزلی آتا 19 نسل گذشته است.

فئودال ثروتمند، شاعر و مورخ دانا آتا (« پدر خردمند ») بانی و بنیان گذار موجودها بشمار میآید. منظومه «او غوزنامه»، که شرح حماسی از تاریخ ترکمن است به دست او نگاشته شده است. در آن گفته میشود که او در بالخان زاده شده و نام واقعی او احسان شیخ است. در این مورد اصطلاح شیخ علاوه بر مفهوم نخستین خود معنی صوفیانه « رئیس طریقت صوفیگری » را دارد.

عبادتگاه دانا آتا در یکی از دره های شمالی بالخان بزرگ است و در تحقیقات ما تا بحال آثار حرمت به قدیس حفظ شده و برخی از نوشته های سنگ مزار واقع در اطراف گورستان بزرگ متعلق به سده های میانه، تعیین زمان حیات دانا آتا را که تقریباً نیمه دوم سده پانزده - نیمه اول سده شانزده است بما میدهند.

بر اساس گزارش وزیر مختار ایران رضاقلی خان که از این محلات در سال 1851 در مسیر خیره دیدار کرده، دانا آتا « یکی از مشایخ ترک بوده و مرید زنگی آتا است و زنگی آتا مرید حکیم آتا است؛ بین ترکها و ترکمنها آنها از ارزش و الایی برخوردار هستند... ». چنانچه این داده ها با واقعیت مطابقت داشته باشند، آنها می توانند بازتاب رابطه دانا آتا با آموزه ها و تعالیم تصوف یاد شده پیروان خواجه احمد یسوی - یسوی ها ، همانند نمونه ای که در بالا از گزلی آتا بررسی شد، باشد.

بیان نام قدیس مشهور خوارزم حکیم آتا به عنوان یکی از مرشدان اصلی دانا آتا، میتواند بر مناسبات نامبرده با خوارزم گواهی دهد. پس از مرگ او پیرامون عبادتگاه دانا آتا گروهی از اعضای طریقت تصوف او شکل گرفت که همانند بسیاری دیگر از موارد مشابه، مراقبان آرامگاه حامی مقدس شدند و عنوان موجودها را گرفتند (موجودها از واژه عربی مجاور است - کسانی که در همسایگی زندگی کنند؛ به امور پارسایی مشغول هستند ، به مرور زمان افرادی معین که به نزدیکی مکان های مقدس آمده و زندگی کردند).

دیرتر بر اثر رقابت از سوی نمایندگان سایر گروه های قدیسین (اولاد)، خوجه ها، موجودها در آغاز سده هیجده ناچار شدند به خوارزم بروند و از آنجا نیمه همان سده بخش بزرگی از آنها به واحه مرو کوچ کردند. بخش عمده شیوخ ترکمن ارتباط با خوارزم را پی گرفتند - پاخیر شیخ (فقیر شیخ - مترجم) بنیان گذار نیمه افسانه ای که به این گروه نام داده شد، میانه سده هفده وارد جنوب غربی ترکمنستان شد (منطقه قیزیل آروات کنونی).

آنطور که خود نام تابوشده ی این قدیس نشان میدهد، بارگاه او در نزدیکی روستای بنداسن قرار دارد و وی همچنین نماینده روحانیت تصوف بود (اصطلاح عربی فقیر « تهیدست و مستمند » و یا بفارسی - درویش را مرید ها نامیدند که در خانقاه های (2) درویشی تحت رهبری مستقیم مرشد خود - پیر یا شیخ زندگی میکردند).

بومیان خوارزم (در تعبیر ترکمنی - خیره مرکز پیشین معنوی ترکمن ها در طول چندین قرن) بانیان مانغیشلاغی (سده هیجده) و همچنین بخش بزرگ خوجه های نخور (سده هیجده)، مشایخ آرچمان و ماوراء خزر، سیدهای کم شمار ترکمن و بسیاری دیگر گروه قدیسین بودند.

قدیسین ماغتیم ها علیحده هستند. بخش عمده آنها - اُت لی ماغتیم، یعنی « ماغتیم آتشین» (نام پیشین غیل لی ماغتیم به معنی « ماغتیم پشم آلود») منشاء خود را نه به خوارزم بلکه به ولایات ماوراء خزر ایران ربط میدهد.

بر اساس شجره نامه دست نوشته ماغتیم ها که توسط نویسنده مقاله یافت شد، شخصی بنام محمد حسن معصوم که در سده دوازده زندگی میکرد برای اینکه دوره آموزه های صوفی گری را بگذراند رهسپار ترکستان گشته و پس از گذراندن این دوره، رواج دهنده آموزه های عرفانی در شهر بسطام ایران میشود. خلف محمد حسن در نسل پنجم حبیب الدین معصوم از بسطام به جرجان (گرگان) کوچ می کند که این امر تقریباً در نیمه دوم سده سیزده روی میدهد. در آنجا او از قراین چنین برمیآید، با موفقیت تبلیغات صوفی گری را در میان قبایل محلی کشاورز و دامدار انجام میدهد.

در سده پانزده خلف او شخصی بنام مخزوم اعظم جرجانی (در سنت ترکمنی بیشتر بعنوان ماغتیم معظم- عربی «جناب اعظم» شناخته شده است)، فرماندار ولایت خود، گسترش آموزه های تصوف را در شرق بویژه بین ترکمن های ایمرگسترش داد.

پس از مرگ ماغتیم معظم در سال 1494/95 ساختمان موزه ای برگور او در سومبار میانه (بخش غاری قالای ترکمنستان) در روستای ماغتیم قالا در سال 1507/8 به پایان رسید که تا زمان کنونی نیز حفظ شده است. خویشاوندان، شاگردان و پیروان او که گروه قدیسین ماغتیم را (به عربی مخدوم - «ارباب، مالک»؛ محزوم، محصوم - فرم محاوره ای مخدوم) بوجود آوردند که بخش بزرگ آن در آغاز سده شانزده به آخال - منطقه دامنه های کوپت داغ، کوچ کرد و تا زمان کنونی خاطره بنیان گذار خود را محترم می شمارند، هر چند دیرتر در آخال بین آنان نزدیکان و اقربای بیشتری در دوره حیات قدیسین نوین پدیدار شد.

بدین ترتیب همانطور که می بینیم پیدایش و ظهور گروه قدیسین در صحنه تاریخ نه با دوران گسترش اسلام در قلمرو ترکمنستان در سده های هفتم و دهم، بلکه زمانی بسیار دیرتر در سده های چهاردهم و هیجدهم، و نه با استیلاگران بیگانه عرب، بلکه با محیط اتنیکی بومی مرتبط است.

در عمل با آنکه عرفان بانیان این یا آن گروه قدیسین (اولاد) مه آلود است، ولی از رجال برجسته تصوف بودند. تصوف در پرتو عرفان گرایی و قابلیت انعطاف خود، بین توده های وسیع مردم، بویژه در محیط کوچ نشینی همواره بیشتر از اسلام خشک ارتدکسی، عامه پسند بود.

نمونه روشن در این رابطه میتواند بمیزان زیادی درجه احترام بزرگ جمعیت ایشان ها- نمایندگان روحانیت غیر ارتدکس مسلمان نسبت به ملاحا، نمایندگان اسلام ارتدکس باشد. مانند برخی دیگر خلق های آسیای مرکزی، حفظ و نگهداری سنت های نیرومند کیش نیاکان و حرمت به بانیان شناخته شده آنها بین ترکمن ها، به اخلاف آنان انتقال یافت.

پیش از هر چیز در اینجا اساس و بنیان مناسبات احترام آمیز نسبت به قدیسین (اولاد) گذاشته شد. اما به مرور زمان چهره ها و اوتوریتیه ی صوفیان سرشناس و عامه پسند دوران سده های میانه - بانیان گروه های قدیسین (اولاد) هر چه بیشتر به حوزه روایت و روبه زوال رفت.

وضعیت غیر عادی و ممتاز قدیسین در جامعه لازم شد که تحکیم یابد. از این رو بطور کلی در سده نوزده روحانیت قدیسین نسب نامه - شجره تنظیم کردند، زنجیره ای که از جد آدم و شخصیت های تورات

وانجیل آغاز میشد، سپس پیامبر محمد، این یا آن پیروان آن - چهار یار، بعد دوباره بسیاری نام های گوناگون تاریخی، مولفان شناخته شده و دیرتر نام بنیان گذار واقعی که از آن نسب نامه ی کنونی شروع میشد، وارد کردند.

بدین ترتیب هریک از گروه قدیسن (اولاد) درمقیاس عموم مسلمانی حامی و پشتیبان از این یا آن دؤرت چاریار « بدست آورد»: شیوخ مثلا ابوبکر را گزیدند، آتاها عثمان را، خوجه ها، ماغتم ها، سیدها (ساداتها) و موجودها علی را.

چنین است به اختصاریکی از صفحات غیر معمول و خودویژه تاریخ تصوف در ترکمنستان.

+++++

1- پطروشفسکی در کتاب خود بنام اسلام در ایران، درباره ذکر صوفیانه نیز چنین میگوید: اعمال زهد صوفیانه و تشریفات آن به شکل «ذکر» (عربی. به معنی لغوی «یادآوری، یادبود» از «ذکر» - یادکردن، اصطلاحا به معنی «دعایی ویژه در بزرگداشت خداوند» با کلمات مشخص و معین، یکجا و به صدای بلند و یا آهسته در دل (است) - یاد آوری مترجم.

2- بفارسی خانگاه و خانقاه عربی شده آن است. مترجم